

منظومه بابا یالیا سلام

در وصف روستای چرور
را نگاه شاعر

اثر: دوم

کربلائی احسان بدرخانی

«متخلص به احسان»

۱۳۹۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
ردیف
ردیف
ردیف

بدرخانی، احسان
منظومه بابایالیا سلام در وصف روستای چروور زادگاه شاعر / اثر احسان بدرخانی منظم به احسان
تهران : چاپ دوم، ۱۳۹۳
۱۶۸ ص
978-600-5103-24-3
هزیا
شماره ترکی آذربایجانی - ایران - قرن ۱۴
PL۳۱۴/۸۰۳۶م۸ ۱۳۹۳
۸۹۴/۳۶۱۱
۳۷۳۶۸۰۱



اسم نشریات

منظومه بابا یالیا سلام

مؤلف: کربلائی احسان بدرخانی «میانهای»

ناشر: مؤسسه نشر فائزون

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

حروفچینی: میثم بدرخانی

صفحه آرائی: محمد منافی

شابک: ۳ - ۲۴ - ۵۱۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 6008 - 5103 - 24 - 3

چاپ: پیام

تقریظ از:

استاد حاج غلامرضا عینی فرد زنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به خاتم المرسلین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و
 آل امیرارش و با آرزوی ظهور مکمل قیام آسمانی
 «مُفَانِدِر» همدی مود «عج» منظومه دلنشین شاعر
 توانا و مستعد جناب احد ان بدرخانی اینجانب را بر آن
 داشت که جملاتی در سطر و سطر ناغذ بنمایانم که بدین
 وسیله دیدگان خوانندگان را در هنگام مطالعه بوسه
 زده باشم و شروع موضوع نکرده امتناری کنم شاید
 اگر نتوانسته باشم «کما هو حقّه» تقریظ را بحایت بخش در
 این کتاب ارائه دهم.

بی مورد نیست اگر دقایقی از اوقات گرانقدر شما
 سروران را به مختصر توضیح و به تعریف جایگاه شعر
 گرفته باشم.

طبع شعر و گفتن کلام منظوم دلنشین است از حکیم کم نظیر عرصه فلسفه و حکمت ملاصدرا «صدر المتألهین» جمله‌ای را گوشزد می‌کنم که قریب به این مضمون فرمود:

«هنوز هم شعرا با آن قالب‌های غلو در ادبیات کهن شعر مطرود است منشور غلو مردود است اما جلوه‌های غلو در ترکیبات اشعار شعرا هنوز حاکم دلباست».

«از زندگی ناما صدر المتألهین» بگذریم شعر از شعور و ریشه‌اش در عشق است. انسان در سیرت و صوت از زیبایی برخوردار است طبع شعر هم زیباست شعر سرودن وابسته به علم و دانش نیست اما شاعر عالم باشد نور علی نور می‌شود خیلی «انوار کثرات علم و دانش سعی کردند کلمات را پهلوی هم بچینند وزن و قافیه درست کنند باید گفت این گونه تنظیم و نظم می‌توانند نظم باشند نه شعر البته قابل احترام و ربا نظام فراتر از منشور است شعر گاهی شمشیر است که رسول اکرم (ص) به حسان فرمود:

«شعر تو شمشیری از شمشیرهای خداوند است برای ریشه

کن کردن شرک و کفر»

گاهی شعر شیر است که آهوان تشنه دشت رأفت و محبت را سیراب می‌کند گاهی باران است و گاهی عاشق کش گاهی مخرب است گاهی سازنده.

شاعر زبان احساسات شاعر است که برداشت‌های خود را از طبقات مختلف جامعه با جملات شیوا بیان می‌کند
(حَبِّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيْمَانِ)

زنده کردن نسل طرقات مسقط الرأس از نشانه‌های ایمان به خالق بی‌همناست جناب بدرخانی هم خواسته نشان بدهد قلم زدن در راه احای ارزشهای وطن خود هنراست و قداست دارد و در آنها زحمت کشیده و این اثر ارزشمند را سروده و در معرض ادب قرار داده است و خیلی عالی این کار بزرگ را بیان رسانده است این کار بزرگ از شاعر چیره‌دست و تیز قلم و با ایمانی چون «بدرخانی» برمی‌آید.

دراثر قبلی ایشان نیز که تحت عنوان «لله‌های عاشورا» که در مناقب و مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام) سروده شده و در دسترس علاقه‌مندان است اشعار پر مغزی دیده می‌

شود. به ابیاتی از این کتاب ملاحظه فرمائید:

عطر جنت کعبه‌نین یکسر فضا سیندن گلور
کعبه‌نین عطری حسینین کربلا سیندن گلور
هر کیم ایستور که حسینین قبرینه زوار اول
کربلا عطری او شاهین بزم یاسیندن گلور

یا

عاشق مه‌لا مگر عهد و قرارین سیندیرار
یا که هیئت ده گارب ئوز همقطارین سیندیرار
آند اول زمران او اودا یانان درگاهینه
نوحه خوانین نپسندا شاروقارین سیندیرار
یا آن شعر معروف کریمخان زند یا مقام آسمانی علی و
فاطمه علیها السلام یا معجزه حضرت امام حسین علیه السلام این اشعار
نشان از ایمان عمیق جناب احسان بدره‌ن عزیز است
این شاعر سعی بر این داشته که غرض بحر
ولایت‌مداری مانند دعبل خزانی‌ها و سید حمیرن‌ها باشد
البته هرکس در حد توان خود این بیان قرآن است.

«لَا يَكْلَفُ اللَّهُ النَّفْسَ الْأَوْسَعَا»

عشق وطن در رگهای این شاعر متعهد و با استعداد در

قلیان است این شاعر خود رزمنده هشت سال دفاع مقدس بوده و در همین منظومه اشاراتی به ارزشهای همان دوران عشق و ایثار و شهدا و جانبازان سرافراز دارد که نشان از عمق اعتقاد این شاعر نکته سنج و ارزشمند است و علقه طوفانی این شاعر در جهت یادآوری خاطرات مسقط الرأس خود یعنی روستای چرو از خانه آذربایجان حومه میانج «میانه» است که ماهرانه از جبهه آن برآمده است. از اساتید و اهل سخن بخاطر بیای نظر خود در خصوص یک حقیقت پوزش می‌طلبم و آن حقیقت این است:

شکی نیست اسد، شهریار یک نابغه بود.

و دیوان‌های فارسی معظم‌له در برادر کشور و خارج از کشور چشم نوازند. اما به نظر شخصی اینجانب آنچه شهریار را شهریار کرد اثر مهیج و نفیس حیدر بابا بود. بدرخانی هم در این دیوان ارزشهای والای خود را دارد. بی‌شک این منظومه هم مورد توجه اهالی ادب قرار خواهد گرفت.

جناب احسان بدرخانی شاعری نیست که بنده ایشان را

به جامعه علم و ادب معرفی کنم بدرخانی صدای غیرت و تعصب زادگاه خود فاقد دانش و علم نیست که بدون مطالعه و تحقیق قلم فرسایی کند این شاعر به جغرافیای ایران و آذربایجان آشنائی کامل دارد و با تحسیلات فوق دیپلم ادبیات و با مطالعه فراوان و تحقیق مستمر به اینجا رسیده است.

بدرخان را نحمین های ادبی تهران جایگاه رشک برانگیزی دارد و حاصل زحمات و تحقیقات خستگی ناپذیر ایشان همین برآرزوشمندی است که در فراروی شماست و فریاد و صی پرسی ایشان در این منظومه از نسل جوان می خواهد خطرات گذشته را زنده نگه دارند و آثار بزرگان و سنت های بزرگ را پاس بدارند و روشهای زندگی پدران خود را نصب العین قرار دهند. جناب احسان بدرخانی در لابلای اشعار این منظومه ضمن ایجاد ارتباط معنوی تنگاتنگ با مردم و همسفران خود توانسته است نسل امروز را با نسل های گذشته مرتبط سازد.

صناعات ادبی (لفظی و معنوی) به ویژه تلمیح در

سرتاسر این منظومه موج می زند مانند:

کت لاواشین دوغرا ساغلمش سوته

یا: ساجلارین اوسته آتئلان قورقامیز

یا: مشد عمیم الآن گننه درگازورر؟

... دها بند دیگر

همچنین اشارات ماهرانه به آیات قرآن و احادیث و اشار به قصاید و اشعارهای سازنده‌ای که در کنار کرسی‌های گرم در زمستان‌های سرد بیان می‌شد نشانه‌های بارزیست از توان این سعدی‌ارزشمند.

در پایان امیدوارم شعایر دل سوخته با حمایت آحاد مردم و مسئولان فرهنگی بتوانند قلم فرسایی کنند و اذعان می‌دارم در این تقریظ مختصر نتوانستم حرف دلم را چنانچه باید ارائه دهم. یا حق

والسلام علیکم ورحمة الله

الاحقر غلامرضا عینی فردزنجانی

۱۳۹۳/۷/۱۸

مقدمه از دوست ادیب و شاعر جناب آقای اسدالله قدسی

بنام خداوند لوح و قلم و درود به پیشگاه خاصان
حسرتی و سلام بر اهالی شعر و ادب.
دوست و یار ارجمندم جناب «احسان بدرخانی» نسبت
به من صاحب دستورنده امرشان مطاع.
فرمودند مقدمه‌ای بنویس ای طاعت کردم اما ارادت بنده
به جناب ایشان دلالت برین ندارد که ناگزیر، در
مدحشان قلم بردارم و در وصفشان عراق کنم که این
امر دور از شأن قلم و ساحت هنر است بنابراین
صادقانه بخشی از آنچه که در این منظومه دیده‌ام را
برای مخاطبین بازگو می‌کنم. اهالی شعر می‌دانند که
وجود حیدر بابای شهریار بزرگ حتی نزدیک شدن به
این سبک و سیاق از شعر آذری تن هر شاعری را
می‌لرزاند چرا که انگار دیگر کسی حق ندارد در این

وادی قدم زند و قلم برادر اما چه باید کرد گاهی شاعر وقتی در فضای باصفای زادگاهش قرار می‌گیرد هوایی شده و آسمانی می‌اندیشد و مست از جام حب الوطن. نغمه دل می‌سراید و این منظومه تراوشی از همان جام و همان باده است.

من برای این مقدمه در انتخاب ساختار کلامی و اعتبار معانی نظمه مرود بودم که آیا از صنایع لفظی و معنوی بنویسم یا از معانی و مضامین آن سخن بگویم، بنظرم آمد شاید شرح موضوعیات در حوصله این مقال نگنجد.

بنابراین به شاکلید معانی آن پرداخته و نمونه‌هایی را ذکر می‌کنم (فضای ذهنی شاعر و اندیشه‌اش از نابودی رسوم و قواعد زندگی گذشتگان دریغ از بندها به صورت یک تابلوی نقاشی به زیبایی نمایان شده است، بندی که گویا سکانشی از یک فیلم درام است، صحنه‌ای که حسرت‌ها آمال و آرزوهای شاعر را به تصویر می‌کشد

بعضی لری تندیری سیمانلیور

بایقوش اویاندان گنجهر بانلیور

گر بیلن اولسا هامینی دانلیور

یعنی قدیم قاندهنی آتمیون

میس قابوزی چرچیره ساتمیون

مام و من و آرامش آغوش این مادر مهربان گاهی

بستری می شود برای رویاهای شاعر و اینجاست که

حس همزادپساری به مخاطب دست می دهد

ممکن اول و بعدا سنی یوخلارام

باش قویارام و منووه یوخلارام

تصرف در قافیه و ردیف و استفاده از ظرفیت هجایی و

آوایی و ازگان ترکی در برخی بندها خودنمایی می کند

ایندیده قصاب اوکوزی شاقار

کندی چوبانلار دولانوب حاقالار

بایدالارین سوت قاتیقی پیقالار

کند اوشاقی بوغدا ونروب قاقالار

دغدغه جناب احسان تنها گذشته و خاطرات آن نیست

بلکه دلسوز وضعیت کنونی زادگاهش نیز می باشد و این
بهترین وجه احساس شعر است

ایستیورم شادیا شاسین کتدیلر

چوخلاری وارهمدم محنتدیلر

ال دوتا یوخسولارا دولتدیلر

کتدیلریم معدن غیرتدیلر

بیمیا مشکده قالان کندیمیز

فاصله بسیار نزدیک حیدر بابا و بابایالی در جغرافیای
آذربایجان و گفتگوی آن دو باهم ارمغان دلنشین این
منظومه می باشد.

ایرانا سرسینه دی حیدربابا

بس که گرانایه ای حیدربابا

سفله که همسایه دی حیدربابا

سسله دندن شهریارون دی حیدربابا

غمینمه ایستکلی یارون نولمیوب

یاجائی که می گوید (شهریار نولمز آدی دیلر ده دی)
استفاده از صنایع معنوی از جمله صنعت تشخیص و
تلمیح در تمامی صفحات چشم نوازند و نیازی به

توضیح ندارد اما در یکی از مصرع‌های دلنشین در
توصیف سلمان عمی در استفاده از ترکیب توصیفی به
اوج می‌رسد

کبلای ربی کوزل انسانیدی
سلمان عمیم حقّه نگهبانیدی

بر این دو مصرع به کار گرفتن کلمات همگون مثل کربلا
(رب، انسان، سلمان و حق) معنویت خاصی به ترکیب
داده است. بدرخان شاعر عاشورایی است و ارادت او
به حضرت سیدالشهدا به بهانه‌های مختلف در این
منظومه هویداست

واردی سلامی شهدای املینه

استفاده از تمثیل‌ها و ضرب‌المثل‌ها در مصرع‌ها رابه
پند و اندرز تبدیل می‌کند و این به نگاه اجتماعی
احسان بر می‌گردد که در آثار دیگر او نیز جاری است

میوه سی اولسا آغاجین داسلانا

به خدمت گرفتن قوافی با ردیفهای ترکیبی و مشدد
گاهی حال و هوای نوستالژیک به فضای شعر می‌بخشد
که مخاطب را درگیر می‌کند